نیمه پنهان نوشتن

گزیده‌ای از گفت‌وگوهای پاریس ریویو در کتاب نویسندگان مشغول کارند

جهان نویسندگان

غزل رضایی ثانی
گروه کتاب

دانستن درباره نحوه نوشتن و روزمرگی نویسندگان مشهور جهان همچون ویلیام فاکنر، رابرت فراست، ارنست همینگوی و... برای خوانندگان آثارشان، کنجکاوی‌برانگیز و جذاب است. مجله ادبی «پاریس ریویو» در گفت‌وگوهایی با نویسندگان شاخص تلاش کرده به نیمه پنهان آنها سرک بکشد. «پاریس ریویو» سال ۱۹۵۳ توسط جمعی از نویسندگان جوان آمریکایی در پاریس پایه‌گذاری شد؛ جریانی که خشت اول آن را پیتر متیسن نهاد تا پایگاهی مستقل برای رشد، معرفی و عرضه آثار چهره‌های نوقلم و بااستعداد باشد؛ مجله‌ای که بسترساز انتشار نخستین قصه‌های نویسندگان صاحبنامی چون ساموئل بکت، ایوان کونل و فیلیپ راث شد. تعدادی از گفت‌وگوهای این مجله با نویسندگان شاخص جهان، توسط احمد اخوت ترجمه و در کتابی با عنوان «نویسندگان مشغول کارند» از سوی انتشارات جهان کتاب منتشر شده است. مجموعه‌ای که دربرگیرنده مصاحبه با چهره‌هایی چون تی. اس. الیوت، خورخه لوئیس بورخس، عزرا پاوند، جیمز تربر، جان دوس پاسوس، ژرژ سیمنون، ویلیام فاکنر، رابرت فراست، میلان کوندرا و ارنست همینگوی است.

دغدغه نوشتن

احمد اخوت، مترجم، داستان‌نویس و جستارنویس، آثار نویسندگانی چون ویلیام فاکنر و خورخه لوئیس بورخس را به فارسی برگردانده است؛ ترجمه‌هایی که در میان آثار او جایگاه ویژه‌ای دارند. او که در رشته زبان‌شناسی تحصیل کرده، آثار متعددی درباره کتاب و نوشتن دارد؛ مانند «تا روشنایی بنویس»، «خاطرات کتابی»، «خود نوشتن»، «تفنگ چخوف» و... . او در کتاب «خاطرات کتابی» به این موضوع تأکید دارد که چگونه خواندن، در زندگی افراد تأثیرگذار است و چطور با نویسنده محبوب خود آشنا شد و اولین‌بار کی و کجا اسمش را شنید. اخوت همچنین در اثر دیگر خود به نام «تا روشنایی بنویس»، با روایت منحصربه‌فرد خویش از مأمنی به نام «نوشتن» و نویسندگانی می‌گوید که وابستگی عمیقی با کتاب و قلم دارند. یا مثلاً در کتاب «تفنگ چخوف» به زیر و بم داستان‌های کوتاه از نویسندگان مطرح جهان اشاره می‌کند و بر بنیان بسیاری از قصه‌ها دست می‌گذارد و این مسأله را واکاوی می‌کند. علاوه بر مواردی که گفته شد، کتاب «خود نوشتن» به نفس نوشتن و کندوکاو معنای نهفته آن می‌پردازد. احمد اخوت در «خود نوشتن» به نویسنده و نویسندگی نگاهی ریزبینانه‌تر و زیرکانه‌تر می‌اندازد و نویسنده بودن مدام و بی‌وقفه را تبدیل به یک مسأله و خواست شخصی می‌کند. توجه او به اصل «نوشتن»، منجر به ترجمه برخی از مصاحبه‌های نشریه پاریس ریویو شد.

احمد اخوت در یادداشت آغازین کتاب «نویسندگان مشغول کارند»، به تشریح دو معیار اصلی خود برای گزینش این مصاحبه‌ها پرداخته است: نخست، آشنایی پیشین خواننده فارسی‌زبان با نویسنده و دوم، اهمیت و جایگاه تاریخی او در پهنه ادبیات معاصر قرن بیستم.

خیام، الگوی الیوت

«نویسندگان مشغول کارند»، مصاحبه‌های متعددی دارد و در این معرفی فقط به برخی از آنها اشاره می‌شود. نخستین گفت‌وگوی کتاب، دیدار با توماس استرنز الیوت، شاعر و منتقد سرشناس انگلیسی-آمریکایی زاده سپتامبر ۱۸۸۸ است. گفت‌وگوکننده با وفاداری به اصول ژورنالیستی، ابتدا یک بیوگرافی مختصر از زندگی، زادگاه، تحصیلات، پیشینه ورود به قلمرو ادبیات و کارنامه آثار الیوت را بیان می‌کند. گزارش با تشریح فضای ملاقات پیش می‌رود؛ مکان ملاقات آپارتمان خانم لوئیس هنری کوهن، مدیر انتشارات «خانه کتاب» و از دوستان نزدیک خانواده الیوت است. گفت‌وگوکننده علاوه بر جزئیات صحنه، از ثبت لایه‌های رفتاری و خلق و خوی الیوت غافل نمانده و بر طنین لحن نیش‌دار، تند و طعنه‌آمیز او در طول مصاحبه اشاره می‌کند. او سؤالاتی بر اساس مطالعات قبلی خود می‌پرسد و شناخت خوبی نسبت به الیوت و آثارش دارد.



ویلیام فاکنر درباره کتاب «خشم‌وهیاهو» می‌گوید: پنج بار کتاب «خشم‌وهیاهو» را نوشتم؛ هر بار سعی کردم داستان را بیان کنم و خودم را از شر رویایی که مرا رنج می‌داد راحت کنم و بالاخره هم این کار را کردم

سؤال نخست این مصاحبه تفصیلی، مطابق سنت رایج در روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، با ورود به دوران کودکی و نوجوانی تی. اس. الیوت آغاز می‌شود؛ جایی که او در ۱۴ سالگی تحت‌تأثیر عمیق رباعیات خیام قرار گرفته و حتی چندین شعر هم به سبک خیام سروده، اما بعدها ترجیح داده تمام آنها را نابود کند. در بخش‌های بعدی، مسیر تکامل ادبی الیوت، از آثار الهام‌بخش ژول لافورگ تا نخستین تجربه‌های انتشار شعر در نشریه معتبر هاروارد ادوکیت، زیر ذره‌بین رفته و پرسش و پاسخ‌های عمیقی درباره ریشه‌های فکری او مطرح می‌شود. او به این موضوع اشاره می‌کند که سبک شعر آزاد را انتخاب کرد چرا که می‌خواست به سبک لافورگ شعر بگوید. میان جهان شعری الیوت و ادبیاتی که در کشور ما با ممیزی روبه‌روست، شباهتی دیده می‌شود. الیوت هم از حذف و تغییرهای زیادی در شعرهایش می‌گوید؛ تغییرهایی که به گفته خودش، هنوز برایش روشن نیست و مثل یک معما باقی مانده است. با این حال الیوت می‌گوید: «هیچ شعر ناتمانی به جا نگذاشته، به این دلیل که معتقد است اگر شعری ناتمام ماند، باید از آن صرفنظر کرد.»

نویسنده‌ای که نابینا شد

بخش دیگری از این کتاب به خورخه لوئیس بورخس، زاده اوت ۱۸۹۹، نویسنده بی‌بدیل ادبیات آرژانتین اختصاص دارد که در اواخر دوران پربار کاری‌اش بخشی از بینایی خود را از دست داد، اما هرگز از نوشتن دست نکشید. بورخس که روزگاری کرسی معتبر شعر «چارلز الیوت نورتون» را در دانشگاه هاروارد برعهده داشت، بعدها توانست به‌طور مشترک با ساموئل بکت، جایزه بین‌المللی معتبر ناشران «پریکس» را از آن خود کند. این مصاحبه خواندنی در دفتر کار او واقع در کتابخانه ملی آرژانتین انجام شده است؛ مکانی که او ریاست آن را برعهده داشت و اتاق شخصی‌اش را به پناهگاهی برای اندیشیدن تبدیل کرده بود. بورخس در اتاق کار خود دو کتابخانه متحرک با همان چیدمان قدیمی دارد که مدت‌هاست دست نخورده باقی مانده‌اند؛ علت دست نخورده بودن آن، این است که بورخس با وجود کم‌بینا شدن، بتواند به کتاب‌های مرجع خود دسترسی داشته باشد. مصاحبه با یک سؤال معمولی «کجایی هستید؟» شروع می‌شود و بعد با سؤالات تخصصی‌تر مانند تأثیرپذیری او از شوپنهاور و دکوئنسی ادامه می‌یابد. او می‌گوید در خلال جنگ جهانی اول شیفته کارلایل بوده اما حالا دیگر از او خوشش نمی‌آید چون به عقیده‌اش او یک نازیسم بود. بورخس درباره ویرایش مکرر متن‌های خود می‌گوید: «اوایل کار تغییرات زیادی در متن‌هایم ایجاد می‌کردم اما بعدها دریافتم که وقتی انسان به سن به‌خصوصی می‌رسد، دیگر زبان اصلی خودش را پیدا کرده است.» روال مصاحبه نشان می‌دهد اگر بورخس تمایلی به پاسخ برخی پرسش‌ها نداشته باشد، بی‌آنکه اهمیتی بدهد از کنار آنها عبور می‌کند، اما در مواجهه با سؤال‌هایی که درباره «نوشتن» و «رمان» باشد، دست از توضیح نمی‌کشد.

استعداد ذاتی، راز نویسندگی

مهاجرت و جابه‌جایی در کودکی، نقطه مشترک زندگی بسیاری از شاعران و نویسندگان است؛ ویلیام فاکنر نیز از این قاعده جدا نبود. یکی از مصاحبه‌های کتاب «نویسندگان مشغول کارند» به او اختصاص دارد. فاکنر در نیوآلبانی به دنیا آمد، اما بعدها با خانواده‌اش به آکسفورد مهاجرت کرد و تحصیلاتش را در آنجا ادامه داد. این مصاحبه، از سال‌های نخست زندگی فاکنر و آغاز مسیر ادبی‌اش می‌گوید. او از کودکی به کتاب خواندن علاقه داشت؛ علاقه‌ای که حتی بر کارش هم تأثیر گذاشت. فاکنر مدتی در اداره پست دانشگاه می‌سی‌سی‌پی کار می‌کرد، اما سرانجام شغلش را از دست داد، چون بیشتر وقتش را به مطالعه می‌گذراند. فاکنر در طول فعالیت ادبی‌اش جوایز متعددی به دست آورد؛ از جمله جایزه ملی کتاب آمریکا. او در ابتدای مصاحبه می‌گوید علاقه‌ای به مصاحبه ندارد، چون نسبت به پرسش‌های شخصی حساس است. با این حال، به پرسش‌های تخصصی با رغبت بیشتری پاسخ می‌دهد. مثلاً درباره کتاب «خشم و هیاهو» می‌گوید: «پنج بار کتاب «خشم و هیاهو» را نوشتم؛ هر بار سعی کردم داستان را بیان کنم و خودم را از شر رویایی که مرا رنج می‌داد راحت کنم و بالاخره هم این کار را کردم.» یا درباره شخصیت دیلسی در «خشم و هیاهو» می‌گوید: «دیلسی یکی از شخصیت‌های مورد علاقه من است، چون این زن خیلی بیشتر از خود من شجاع، درستکار و سخی است.» از نگاه فاکنر، نویسنده خوب باید استعداد ذاتی داشته باشد؛ اما این تنها شرط نویسندگی نیست. او معتقد است نویسنده نباید هیچ‌وقت از کار خودش راضی شود و باید پیوسته برای بهتر نوشتن تلاش کند. فاکنر نویسندگی را حرفه‌ای ارزشمند می‌داند که با وسایلی ساده مانند کاغذ و قلم پیش می‌رود. به باور او، هیچ چیز نمی‌تواند به یک نویسنده درجه یک لطمه بزند. در ادامه این مصاحبه، به همکاری فاکنر با سینمای هالیوود نیز پرداخته می‌شود؛ جایی که او از میان چهره‌های سرشناس، بیش از همه به همکاری با همفری بوگارت علاقه داشت و این دو نفر در ساخت فیلم‌های «داشتن و نداشتن» و «خواب طولانی» با یکدیگر همکاری کردند.



جورج پلیمتون به همراه تعدادی از نویسندگان پاریس ریویو در بیرون کافه تورنون/ پاریس دهه ۱۹۵۰

دنیای میلان کوندرا

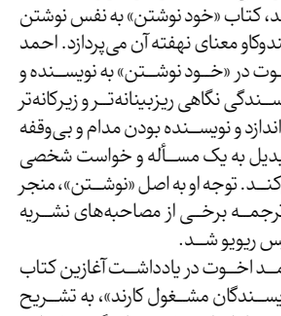
میلان کوندرا، نویسنده اهل جمهوری چک، یکی دیگر از نویسندگان مشهوری است که «پاریس ریویو» با او مصاحبه کرده است. این گفت‌وگو طی چند نشست با کوندرا در دفتر کوچک او نزدیک مونتپارناس صورت گرفته است اما شیوه آن یک فرق اساسی با بقیه گفت‌وگوها دارد؛ مثلاً از ضبط صوت استفاده نشد و به جای آن از ماشین تحریر، قیچی و چسب بهره بردند. آنها گفت‌وگو را با ماشین تحریر پیاده کردند، بخش‌های اضافه را با قیچی بریدند، قسمت‌های لازم را کنار هم چسباندند و در نهایت یک گفت‌وگوی کامل شکل گرفت.

سال ۱۹۶۸ با اشغال نظامی چکسلواکی توسط ارتش شوروی همزمان بود. در این سال کوندرا شغل تدریس خود را از دست داد و دیگر نتوانست کار تازه‌ای پیدا کند. تمام کتاب‌هایش ممنوع و از کتابخانه‌ها جمع‌آوری شدند، اما او بیکار ننشست و دو رمان جدید با نام‌های «زندگی جای دیگر است» و «مجلس تودیع» را نوشت. به گفته مصاحبه‌کننده، میلان کوندرا علاقه‌ای ندارد درباره خودش صحبت کند و ترجیح می‌دهد تمرکز گفت‌وگو روی دنیای هنر و رمان‌هایش باشد؛ از این رو، با احترام به خواست او، مصاحبه‌کننده فقط به جزئیات آثارش پرداخته است. برای نمونه، کوندرا به موجزگویی در رمان‌نویسی اعتقاد دارد، اما در پاسخ به اینکه چرا با وجود این عقیده، کتاب «خنده و فراموشی» را در هفت بخش نوشته است، می‌گوید: «اگر می‌خواستم موجزگویی را در کتاب «خنده و فراموشی» اعمال کنم، مهم‌ترین نکته را فراموش کرده بودم؛ نمی‌توانستم پیچیدگی زندگی بشر امروز را در یک جلد رمان نشان دهم.»

نبرد با تقلید

گفت‌وگو درباره خلوت کاری و روزمرگی رابرت فراست، بخش دیگری از این کتاب است؛ شاعری که در سانفرانسیسکو به دنیا آمد و حضور پدری روزنامه‌نگار در سرنوشت ادبی او بی‌تأثیر نبود. فراست در همان ابتدای مصاحبه به عادت عجیب خود اشاره می‌کند و می‌گوید از میز تحریر بیزار است و همیشه تخته‌ای صاف زیر دست می‌گذارد تا بنویسد؛ اعترافی جالب که نشان می‌دهد او برای ثبت کلمات از هر ابزاری، حتی کف کفش‌هایش نیز بهره برده است. او همچنین در پاسخ به این سؤال که کدام شاعر بیش از دیگران الهام‌بخش او بوده، به تندی به دیدگاه استیونسون می‌تازد و بر این باور است که نظریه ضرورت تقلید و الگوبرداری هنرمند، بیش از هر عامل دیگری به پیکره حیات ادبی و تربیتی آمریکا آسیب رسانده است.

کتاب «نویسندگان مشغول کارند» نمونه‌ای جذاب و هوشمندانه از مرور گفت‌وگوهای کلاسیک ادبی است؛ متنی که به جای پرداختن صرف به فهرست آثار، روی اندیشه‌ها و جهان‌بینی نویسندگان دست گذاشته است. روند مصاحبه‌های منتشر شده در پاریس ریویو نشان می‌دهد یک مصاحبه خوب فقط ثبت واژه‌ها نیست بلکه بیان پرسش‌ها و مسائلی از نویسنده است که مخاطب کمتر آنها را شنیده یا با خواندن آن، درهای جدیدی از شناخت نویسنده به رویش باز می‌شود. این گفت‌وگوها لحنی خوش‌خوان، روایی و مستند دارد که مدیون ترجمه احمد اخوت است، مطالبی که به‌خوبی کنجکاوی خواننده را برای مراجعه به اصل صحبت‌ها برمی‌انگیزد و حتی اگر کسی تنها یک کتاب از آثار نویسنده‌ها یا شاعران این نشریه را خوانده باشد از مطالعه گفت‌وگوها لذت می‌برد.



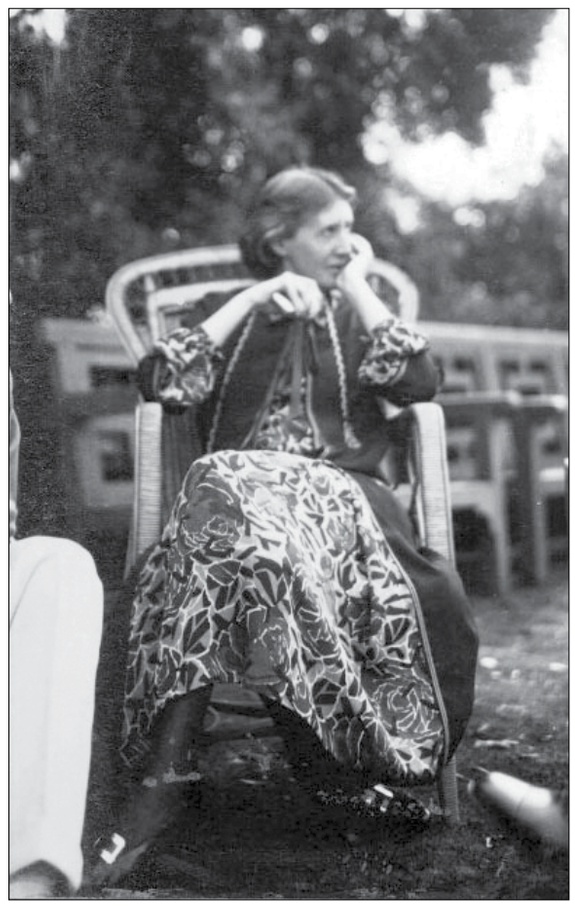
نویسندگان مشغول کارند
گزیده گفت‌وگوهای پاریس ریویو
- مترجم: احمد اخوت
- انتشارات: جهان کتاب
- تعداد صفحات: ۳۲۶ صفحه
- قیمت: ۵۷۰۰۰۰ تومان

یک روح ناآرام

آیرا نیدل در ابری بر فراز امواج به نسبت جغرافیای زندگی و جغرافیای ذهن ویرجینیا وولف می‌پردازد



طه حسین فراهانی
روزنامه‌نگار



ویرجینیا وولف از جمله نویسندگانی است که نمی‌توان زندگی و آثارشان را از یکدیگر جدا کرد. در جهان ادبی او، خاطره، مکان، روابط انسانی و تجربه‌های شخصی، نه عناصری حاشیه‌ای، بلکه مصالح اصلی آفرینش ادبی‌اند. خانه‌ها، اتاق‌ها، خیابان‌ها و چشم‌اندازهایی که وولف در آنها زیست، به‌تدریج در آثارش حضوری فراتر از یک پس‌زمینه پیدا کردند و به بخشی از جهان ذهنی و تخیلی او بدل شدند. کتاب «ابری بر فراز امواج»، نوشته آیرا نیدل با ترجمه فرناز حائری، تلاشی است برای بازخوانی زندگی این نویسنده برجسته از دریچه مکان‌ها؛ دریچه‌ای که امکان می‌دهد پیوند میان زندگی روزمره، تجربه‌های شخصی و بلندپروازی‌های ادبی او را از منظری تازه ببینیم.

ویرجینیا وولف، با نام اصلی آدلاین ویرجینیا استیون، ۲۵ ژانویه ۱۸۸۲ در لندن به دنیا آمد و در ۲۸ مارس ۱۹۴۱ خود را غرق کرد. او در خانواده‌ای اهل فرهنگ و کتاب پرورش یافت و از همان سال‌های نخست زندگی با فضایی آشنا شد که ادبیات، اندیشه و گفت‌وگو در آن جایگاهی مهم داشتند. با این حال، زندگی وولف را نمی‌توان صرفاً مسیری هموار از پرورش در محیطی فرهنگی تا رسیدن به شهرت ادبی دانست. تجربه‌های دشوار شخصی، فقدان‌های خانوادگی و دوره‌های طولانی آشفتگی روانی، در کنار روابط دوستانه و فعالیت‌های ادبی، در شکل‌گیری شخصیت و جهان نوشتاری او سهم داشتند. وولف از دل همین تجربه‌های پیچیده به یکی از مهم‌ترین چهره‌های ادبیات مدرن انگلیس و جهان تبدیل شد؛ نویسنده‌ای که شیوه روایت را دگرگون کرد و مرزهای بازنمایی ذهن و آگاهی را گسترش داد.

اهمیت وولف تنها به موضوعاتی که در آثارش مطرح می‌کرد محدود نیست؛ شیوه نوشتن او نیز تحولی اساسی در رمان‌نویسی قرن بیستم پدید آورد. او به جای آنکه همواره حوادث را در قالب روایتی خطی و بر پایه توالی منظم رویدادها پیش ببرد، به حرکت سیال ذهن، تداعی خاطرات، دریافت‌های لحظه‌ای و تغییرات ظریف احساسات توجه نشان می‌داد. در چنین روایتی، یک منظره، صدایی گذرا یا خاطره‌ای دور می‌تواند ذهن شخصیت را به مسیرهای تازه‌ای ببرد و لایه‌هایی از تجربه انسانی را آشکار کند که در روایت‌های متعارف کمتر مجال ظهور می‌یابند. آثاری چون «خانم دالووی»، «به سوی فانوس دریایی» و «اورلاندو» نمونه‌هایی برجسته از این تجربه‌گرایی ادبی‌اند؛ آثاری که همچنان در مطالعات ادبی و بحث‌های مربوط به رمان مدرن جایگاهی مهم دارند.

زندگینامه‌مکان‌محور

آیرا نیدل در «ابری بر فراز امواج» به جای آنکه زندگی وولف را صرفاً بر اساس ترتیب زمانی حوادث بازگو کند، مکان را به یکی از محورهای اصلی روایت تبدیل می‌کند. این انتخاب، زندگینامه را از شرحی معمول درباره تولد، تحصیل، ازدواج، انتشار کتاب‌ها و مرگ نویسنده فراتر می‌برد. خانه‌ها و فضاهایی که وولف در آنها زندگی کرده، در این کتاب به نشانه‌هایی برای شناخت دگرگونی‌های فکری و هنری او تبدیل می‌شوند. از خانه کودکی‌اش در «هاید پارک گیت» تا محیط «گوردون اسکوئر» در «بلومزبری»، هر مکان دریچه‌ای به بخشی از زندگی او می‌گشاید و امکان می‌دهد تأثیر محیط بر تجربه زیسته و تخیل ادبی‌اش بررسی شود.

در این رویکرد، مکان صرفاً محل وقوع رویدادها نیست؛ فضایی است که خاطره در آن شکل می‌گیرد، روابط انسانی در آن گسترش می‌یابد و تجربه‌های شخصی به ماده خام ادبیات تبدیل می‌شوند. خانه می‌تواند یادآور امنیت یا محدودیت باشد، خیابان می‌تواند زمینه مواجهه با زندگی شهری را فراهم کند و محیطی تازه می‌تواند چشم‌انداز نویسنده را نسبت به جهان تغییر دهد. نیدل با دنبال کردن این پیوندها می‌کوشد نشان دهد فضاهای واقعی زندگی وولف چگونه در کنار تخیل او به شکل‌گیری جهان ادبی‌اش کمک کردند. به این ترتیب، خواننده با زندگینامه‌ای روبه‌رو می‌شود که در آن جغرافیای زندگی و جغرافیای ذهن به یکدیگر نزدیک می‌شوند.

یکی از ویژگی‌های مهم کتاب، اتکای آن به نوشته‌ها و اسناد شخصی ویرجینیا وولف است. نامه‌ها، دفترهای خاطرات، یادداشت‌ها، جستارها و آثار داستانی او، منابع اصلی نیدل برای بازسازی تجربه‌های زندگی نویسنده‌اند. این اسناد به زندگینامه امکان می‌دهند از سطح اطلاعات عمومی فراتر بروند و به شیوه نگاه وولف به پیرامون خود نزدیک شود. در این میان، نوشته‌های شخصی او اهمیتی ویژه دارند؛ زیرا در آنها می‌توان رد تغییرات روحی، واکنش‌های روزمره، مناسبات دوستانه و تأملات ادبی‌اش را دنبال کرد. البته ارزش چنین رویکردی تنها در گردآوری اطلاعات تازه نیست، بلکه در نحوه کنار هم قرار دادن شواهد و روشن کردن رابطه میان تجربه‌های زیسته و آفرینش ادبی است.

گروه بلومزبری و روابط وولف با چهره‌های فرهنگی و ادبی روزگارش نیز از دیگر محورهای کتاب است. بلومزبری، محله‌ای در لندن که شماری از روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان در آن گرد هم می‌آمدند، برای وولف تنها یک محدوده جغرافیایی نبود؛ فضایی برای گفت‌وگو، تبادل اندیشه و شکل‌گیری روابطی بود که بر زندگی فکری و هنری اعضای این حلقه تأثیر گذاشت. بررسی این محیط به درک بهتر موقعیت وولف در فضای فرهنگی



ابری بر فراز امواج
زندگینامه ویرجینیا وولف
- نویسنده: آیرا نیدل
- مترجم: فرناز حائری
- انتشارات: وزن دنیا
- تعداد صفحات: ۲۰۰ صفحه
- قیمت: ۵۴۰۰۰۰ تومان

زمانه‌اش کمک می‌کند؛ نویسنده‌ای که در عین برخورداری از ارتباطات گسترده، مسیر ادبی مستقلی را دنبال می‌کرد و پیوسته در پی آزمودن امکان‌های تازه زبان و روایت بود.

در کنار این مناسبات، روابط شخصی و عاطفی وولف نیز بخشی از تصویری است که نیدل از زندگی او ترسیم می‌کند. ازدواج او با لئونارد وولف، دوستی‌ها و ارتباطش با شخصیت‌هایی چون ویتا ساکویل‌وست و لیدی اوتولین مورل، هر یک بخشی از شبکه روابط انسانی او را شکل می‌دادند. این روابط را نمی‌توان صرفاً حاشیه‌هایی بر زندگی حرفه‌ای نویسنده دانست؛ آنها در شکل‌گیری تجربه‌های عاطفی، دریافت‌های اجتماعی و نگرش او به زندگی نقش داشتند. بررسی این مناسبات همچنین فرصتی فراهم می‌کند تا زندگی وولف در بستر فرهنگی و اجتماعی زمانه‌اش دیده شود؛ دورانی که زنان نویسنده با محدودیت‌های گوناگون روبه‌رو بودند و دستیابی به استقلال فکری و هنری برای آنان با موانعی جدی همراه بود. وولف در جستارهای خود، بویژه در نوشته‌هایی که به وضعیت زنان و امکان‌های نویسندگی آنان می‌پردازند، از محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی پیش روی زنان سخن گفته است. او ادبیات را از مناسبات قدرت و شرایط مادی زندگی جدا نمی‌دانست و به این موضوع توجه داشت که برخورداری از استقلال مالی و فضایی شخصی تا چه اندازه می‌تواند بر امکان آفرینش ادبی اثربگذارد. از این منظر، زندگی وولف تنها داستان شکل‌گیری یک نبوغ فردی نیست؛ روایتی از مواجهه یک نویسنده زن با ساختارهای اجتماعی و دشواری‌های دستیابی به آزادی هنری نیز هست. توجه به این ابعاد، جایگاه او را در تاریخ ادبیات مدرن و مطالعات مربوط به زنان روشن‌تر می‌کند.

بااین حال، زندگی وولف بدون توجه به رنج‌های روانی او تصویری ناقص خواهد داشت. او در طول زندگی با دوره‌هایی دشوار از آشفتگی روانی روبه‌رو بود؛ تجربه‌هایی که در کنار دیگر عوامل زندگی‌اش بر وضعیت شخصی و مسیر حرفه‌ای او تأثیر گذاشتند. نیدل این بعد از زندگی نویسنده را در کنار روابط، محیط و فعالیت‌های ادبی او بررسی می‌کند و امکان می‌دهد از تقلیل شخصیت وولف به دوگانه ساده نبوغ و رنج فاصله بگیریم. اهمیت چنین نگاهی در آن است که بیماری روانی را به توضیحی یگانه برای آثار او تبدیل نمی‌کند، بلکه آن را یکی از عناصر پیچیده زندگی انسانی می‌بیند که باید در کنار عوامل فرهنگی، اجتماعی، عاطفی و هنری بررسی شود.

عنوان «ابری بر فراز امواج» نیز با جهان ذهنی وولف تناسبی معنادار دارد؛ جهانی که در آن، ثبات و ناپایداری، خاطره و اکنون، روشنایی و تیرگی، پیوسته در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. در آثار او، ذهن انسان فضایی یکدست و آرام نیست؛ تجربه‌ها همچون موج‌هایی از احساس و خاطره از راه می‌رسند، یکدیگر را کنار می‌زنند و در عین حال، رد خود را بر آگاهی باقی می‌گذارند. از این منظر، زندگینامه نیدل را می‌توان تلاشی برای نزدیک شدن به نویسنده‌ای دانست که زندگی و آثارش از تنشی دائمی میان تجربه و تخیل، آسیب‌پذیری و آفرینش، و محدودیت‌های جهان بیرونی و آزادی ذهنی شکل گرفته‌اند.

«ابری بر فراز امواج» در مجموعه «پرتره» نشر وزن دنیا منتشر شده است؛ مجموعه‌ای از زندگینامه‌های چهره‌های برجسته هنر، ادب، سیاست، علم و اندیشه که با هدف بازشناسی زندگی، زمانه و مسیر شکل‌گیری آثار و اندیشه‌های آنان فراهم می‌شود. این مجموعه با بهره‌گیری از پژوهش‌های محققان، می‌کوشد تصویری مستند و درعین‌حال خواندنی از شخصیت‌های اثرگذار ارائه دهد. در چنین چارچوبی، کتاب نیدل نیز به جای عرضه تصویری صرفاً ستایش‌آمیز از یک نویسنده مشهور، می‌کوشد نسبت میان زندگی شخصی، محیط اجتماعی و دستاورد ادبی او را بررسی کند. حجم نسبتاً محدود کتاب می‌تواند آن را برای خوانندگانی مناسب کند که می‌خواهند با زندگی ویرجینیا وولف و زمینه‌های شکل‌گیری آثارش آشنا شوند، بی‌آنکه از همان ابتدا وارد زندگینامه‌ای چندجلدی و مفصل شوند. در عین حال، علاقه‌مندان جدی‌تر ادبیات مدرن نیز می‌توانند از رویکرد مکانی کتاب برای بازاندیشی در رابطه میان زندگی و آفرینش ادبی بهره ببرند.

آنچه «ابری بر فراز امواج» را خواندنی می‌کند، بیش از هر چیز، انتخاب زاویه دید آن است. حاصل رویکرد آیرا نیدل تصویری از نویسنده‌ای است که آثارش نه در خلأ، بلکه در تماس مداوم با جهان پیرامون شکل گرفته‌اند. این زندگینامه به خواننده یادآوری می‌کند که پشت هر اثر ادبی، انسانی با خاطره‌ها، روابط، تردیدها و تجربه‌های خاص خود قرار دارد و گاه برای شناخت بهتر یک نویسنده، باید به همان اندازه که به کلمات او توجه می‌کنیم، به مکان‌هایی نیز بنگریم که این کلمات در آنها شکل گرفته‌اند.